

## ارزشیابی

(قسمت دوم)

## ۳۶۰ درجه

تعمیم تجربه‌ای از  
مدیریت منابع انسانی در کلاس درس

## اشاره

ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای مفهومی است که بیشتر در حوزه منابع انسانی یا سرمایه انسانی کاربرد دارد. ارزشیابی ۳۶۰ درجه یعنی ارزشیابی عملکرد اعضای سازمان از نقطه نظرهای زاویه‌های مختلف. در این نوع ارزشیابی، کارکنان توسط همکاران و هم‌تیمی‌های خود، مدیرانشان، اعضای گروه یا زیرمجموعه‌شان، ذی‌نفعانی که با آنها تعامل دارند و حتی خودشان، سنجش می‌شوند. به این ترتیب، داده‌هایی معتبر و همه‌جانبه برای شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک از اعضای سازمان جمع‌آوری می‌شوند.

جایگاه این مفهوم در ارزشیابی از یادگیری خالی است. به عبارت دیگر، در ارزشیابی معلمان از یادگیری فراگیرندگان یادانش آموزان، به همه جنبه‌های ارزشیابی توجه نمی‌شود. برای داشتن ارزشیابی جامع و ۳۶۰ درجه‌ای می‌توان پنج فعالیت را مدنظر قرارداد که عبارت‌اند از: ثبت عملکرد دانش آموز، آزمون‌های معیار و استاندارد، ارزشیابی‌های مهارتی، خودآبرازی و خودارزشیابی. در شماره قبل درباره ثبت عملکرد دانش آموز و آزمون‌های معیار و استاندارد نکاتی بیان شد. در این شماره آزمون‌های مهارتی و دست‌ورزی، خودآبرازی، خودارزشیابی یا ارزشیابی از طریق والدین بیان می‌شوند.



پیشاپیش  
قسمت اول مقاله را اینجا  
ببینید.

## \* آزمون‌های مهارتی و دست‌ورزی

این دسته از آزمون‌ها بیشتر به دنبال ارزیابی استفاده از دانش کسب‌شده، یعنی سنجش مهارت‌ها هستند. ارزیابی با استفاده از ابزارهای گوناگون به سنجش یادگیری اقدام می‌کند. ممکن است در بعضی از سوالات از نوشتن هم استفاده شود، ولی میزان آن خیلی کم است و در حد نوشتن پاسخ نهایی است. مثلاً در درس ریاضی، به جای اینکه تصویر دسته‌های ۱۰۰ تایی و ۱۰ تایی به دانش‌آموز داده شود، خود آن دسته‌ها در اختیار او قرار می‌گیرند و دانش‌آموز می‌تواند آن‌ها را لمس کند و اعداد را تشخیص دهد یا با هم مقایسه کند. شکل آزمون عملکردی در هر درسی یادگیری فرق دارد. در علوم می‌تواند یک آزمایش باشد؛ مانند جدا کردن مواد از هم، یا وزن کردن آن‌ها. در ریاضی هم ابزارهای متعددی در دسترس هستند که با آن‌ها می‌توان همه مباحث ریاضی را پوشش داد؛ از اعداد گرفته تا شکل‌های هندسی. در درس فارسی می‌توان مهارت گوش کردن، خواندن و نوشتن دانش‌آموزان را محک زد. یک سؤال شنیداری، نگارشی و درک مطلب در کنار بقیه سوالات فارسی می‌تواند آزمونی معمولی را به آزمونی مهارتی تبدیل کند.

ایده برای اجرای آزمون‌های مهارتی زیاد است. مثلاً می‌توان اردویی با چالش‌های علمی و کاربردی طراحی کرد. در اجرای این آزمون‌ها دو نکته مطرح است که اجرا را کمی مشکل می‌کنند. اول تهیه محتوا و ابزار برگزاری آزمون مشکل است. البته لازم نیست ابزار به تعداد همه دانش‌آموزان تهیه شوند. بلکه می‌توان چند عدد تهیه کرد و دانش‌آموزان به صورت چرخشی از آن‌ها استفاده کنند. دوم، معمولاً برگزاری این آزمون‌ها زمان‌بر است و در مقایسه با آزمون‌های کتبی معمول، به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد. ولی در عین حال حسن‌های زیادی نیز دارد؛ شامل:

- الف) برای ارزیابی شونده بسیار لذت‌بخش هستند و اصلاً فشار روانی آزمون‌های کتبی متداول را به همراه ندارند.
- ب) به مطالب یاد گرفته شده عمق می‌بخشند و می‌توانند یادگیری را به سطح بالاتری ببرند.
- پ) بیش از بقیه آزمون‌ها به یادگیری در کنار ارزیابی منجر می‌شوند.
- ت) می‌توانند موجب ایجاد انگیزه‌های درونی در یادگیرنده شوند، چرا که یادگیرنده در حین این ارزیابی‌ها کاربرد مطالب فرا گرفته شده را به نوعی می‌بیند.

ث) قابلیت برگزاری گروهی را دارا هستند و در صورتی که گروه‌بندی به درستی و اصولی انجام گیرد، بر مهارت‌های اجتماعی می‌افزیند.

## \* آزمون‌های خودارزایی

اگر نقش مدرسه، بیش از یادگیری مطالب کتاب‌های درسی، آموزش مهارت‌های اجتماعی در نظر گرفته شود و آموزش مهارت‌های زندگی را هم جزو رسالت‌های مدرسه در نظر بگیریم، آنگاه فعالیت‌های ارزشیابی گفته شده کم و ناقص خواهند بود. در اینجا لازم است از چارچوب ارزیابی مرسوم خارج شد و به جای طراحی فرایندی یا ابزاری که دانش و مهارت‌های فراگیرنده را بسنجد، بستری آماده کرد تا فراگیرنده بتواند توانمندی خود را در آن ابراز کند و نشان دهد.

بسیاری از مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان در بستر ارزیابی‌های مرسوم متبلور نمی‌شوند. مثلاً در عمل برای بررسی اعتماد به نفس

دانش‌آموزان یا هوش اجتماعی آن‌ها روشی وجود ندارد. پس لازم است با ایجاد بستری برای تبلور آن‌ها، ابزارهای کم‌خطایی نیز برای ثبتشان در نظر گرفته شوند. دانش‌آموزانی را تصور کنید که در درس تعلیمات اجتماعی پروژه‌ای برای معرفی استان یا یک کشور دارند. آن‌ها در طول سال می‌توانند به صورت گروهی روی آن تحقیق کنند و یافته خود را با دیگر دوستانشان به اشتراک بگذارند. حال اگر از این فراتر، نمایشگاهی برای ارائه این تحقیقات برپا شود، امکان تبلور توانمندی‌های بیشتری فراهم می‌شود. شکل و محتوای غرفه می‌تواند موضوعی چالش‌برانگیز برای گروه‌های دانش‌آموزی باشد و نیازمند هم‌فکری و همکاری بسیار است. ارائه یافته تحقیقات در روز نمایشگاه هم می‌تواند بخش دیگری از توانمندی‌های دانش‌آموزان را نشان دهد.

اگر یک نمایشگاه ایران‌شناسی (برای مثال) به عنوان ابزار خودارزایی دانش‌آموزان در نظر گرفته شود، لازم است ابتدا برنامه‌ریزی و پیش‌بینی دقیقی در مورد کل فرایند به عمل آید. اگر منابع مورد نیاز این پروژه طولی، تعیین نقش اولیا و معلمان در مقام مربی، برنامه‌زمانی ... به دقت تدوین شوند، می‌تواند تجربه لذت‌بخشی برای همه ایجاد کند. در ادامه لازم است ابزارهایی سنجشی برای تک‌تک مراحل آن در نظر گرفت. ابزارهایی کیفی که هدف اصلی آن‌ها نشان دادن نیازهای هر بخش از پروژه به مترجمان و مربیان، و مقایسه فرد با خودش و سطح معیار حداقلی خواهد بود.

این یک ایده بزرگ و جامع بود؛ یک پروژه بین‌درسی. ولی می‌توان بسترهای کوچک و کم‌هزینه‌تری (از نظر زمان، نیروی انسانی و...) هم برای خودارزایی متصور شد. مانند وقتی معلم فارسی دانش‌آموزان را تشویق می‌کند در مورد آخرین کتابی که خوانده‌اند، صحبت کنند. یا معلم علوم می‌کند که محوریت فناوری، که قطعاً مورد علاقه نسل جوان است، تحقیقاتی را سامان دهد و با ارائه آن‌ها در کلاس، امکان این خودارزایی را فراهم می‌کند.

دو نکته مهم در این بین وجود دارند که بی‌توجهی به آن‌ها ممکن است تأثیرات مخرب بلندمدت داشته باشد. اول، اجرای فعالیت‌های خودارزایی می‌تواند موجب ایجاد حسادت، رقابت و مقایسه در دانش‌آموزان شود. این شرایط ممکن است توسط والدین تشدید شود. لازم است ابتدا خودمربیان نسبت به این مسائل توجه شوند. اینکه در مواجهه با دانش‌آموزان چگونه عمل کنند تا حسادت و رقابت بروز نکند. سپس آموزش‌هایی برای اولیا در نظر گرفته شوند. هر چند این آموزش‌ها در بلندمدت تأثیر خواهند گذاشت، ولی آگاهی از آن‌ها قطعاً می‌تواند از شدت مشکلات بکاهد.

نکته دوم، این احتمال وجود دارد که دانش‌آموزان توانمند نقش بیشتری بر عهده گیرند، در عمل دیگران را کنار



بگذارند و خود عهده‌دار همه فعالیت‌ها شوند. توجه اشتباه مریبان و اولیا نیز ممکن است این وضعیت را تشدید کند. در اینجا هم لازم است مریبان و مسئولان در ابتدای کار نقش‌های معین و دقیقی برای هر دانش‌آموز در نظر بگیرند و در طول اجرا هم با دقت در عملکرد همه دانش‌آموزان، امکان مشارکت بیشتر آن‌ها را فراهم کنند.

## ✱ خودارزیابی یا ارزیابی از طریق والدین

خودارزیابی شکل بلوغ‌یافته ارزیابی است. اینکه خود فرد بتواند عملکرد خود را قضاوت و واکاوی کند، از آن درس بگیرد و با نتایج آن تغییر ایجاد کند، قطعاً بهترین و والاترین شکل ارزیابی است<sup>۱</sup>. در ضمن، خودارزیابی ای که قضاوت را به همراه استدلال در خود دارد، در بالاترین سطح تفکر قرار می‌گیرد. البته نباید فراموش کرد، خودارزیابی نیز مانند دیگر انواع قضاوت دچار آسیب‌هایی مانند فرافکنی است. این نشان می‌دهد که فرزندانمان به آموزش و تمرین هر چه بیشتر و بهتر این مهارت نیاز دارند. اگر می‌خواهیم ارزیابی جامعی داشته باشیم، لازم است یادگیرنده را نیز در آن درگیر کنیم. دانش‌آموزان باید خود را قسمتی از فرایند ارزیابی ببینند. این وضعیت، ضمن کم کردن فشارهای آزمون، می‌تواند ارزیابی و سنجش را به بخشی از زندگی روزانه و مستمر دانش‌آموزان تبدیل کند.

به شکل‌های متعددی می‌توان دانش‌آموزان را در فرایند ارزیابی درگیر کرد. مثلاً می‌توان از خود دانش‌آموز خواست برگه‌اش را تصحیح کند. یا هر کس برگه دانش‌آموز کناری‌اش را تصحیح کند. می‌توان آزمونی طراحی کرد که دانش‌آموز بعد از پاسخ به هر سؤال، آن را تصحیح کند و سؤال بعدی را پاسخ دهد. (این ایده به شکل کارگروهی تجربه شده و نتایج خوبی داشته است.) قطعاً معلمان در جلسهٔ بارش فکری، که فضایی دوستانه، تعاملی و ایمن دارد، می‌توانند ایده‌های خلاقانه‌ای در این زمینه تولید کنند.

در دورهٔ اول ابتدایی، جایی که سن دانش‌آموزان کم است، والدین می‌توانند نقش پررنگ‌تری داشته باشند. بهتر است در ابتدای سال در جلساتی در این زمینه به اولیا توضیحات لازم داده شود تا آن‌ها در طول سال به‌عنوان بازوان آموزش معلمان عمل کنند. در این زمینه ایده‌های بسیاری وجود دارند. مثلاً در شکل سنتی، والدین در منزل به دانش‌آموز دیکته می‌گفتند و آن را تصحیح می‌کردند. ولی در شکل خلاقانهٔ آن، این دانش‌آموز است که به والدین دیکته می‌گوید. والدین با توضیحات مدرسه به‌عمد اشتباه‌هایی را در نوشتهٔ خود انجام می‌دهد تا دانش‌آموز آن را

بباید. این روش، علاوه بر اینکه یادگیری را با تفریح و سرگرمی همراه می‌کند، بر مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموز نیز می‌افزاید. در شکل دیگر آن، والدین می‌توانند با توجه به کلید آزمون نسبت به تصحیح آن اقدام کنند، یا به فرزندشان کمک کنند برگهٔ خود را با کلید تصحیح کند. مشارکت والدین در ارزیابی، به درک بهتر توانمندی‌های فرزندشان هم می‌انجامد. البته این خطر وجود دارد که والدین نتوانند هویت خود را از فرزندشان جدا کنند و با بازخواست، پر خاشاگری یا تنبیه، بخواهند یادگیری فرزندانشان را بهبود بخشند.

بسیار مهم است که دانش‌آموز در فرایند یادگیری منفعل نباشد. می‌توان تا حد امکان او را در فرایند برنامه‌ریزی درگیر کرد. مثلاً برنامهٔ کلاسی را با مشورت آن‌ها تنظیم کرد. می‌توان تدریس را با روش‌های تعاملی دانش‌آموز محور، به جای روش‌های سخنرانی معلم محور، به پیش برد. می‌توان برای تدریس از آموزش معکوس یا روش‌های گروهی مدد جست. در نهایت، در فرایند ارزشیابی نیز می‌توان به انواع شکل‌ها از دانش‌آموزان استفاده کرد. قضاوت آن‌ها در مورد اشتباه عمدی معلم یا جست‌وجو و کشف مطالب جدید با سعی و خطا، نسبت به زمانی که مطلب راحت در اختیار آن‌ها قرار گیرد، قطعاً یادگیری بهتری را در پی خواهد داشت.

نباید فراموش کرد که مشارکت والدین در مدرسه فراتر از کمکشان در ارزیابی است. لازم است آن‌ها مدرسه را از خود بدانند؛ یعنی خود را در تصمیمات مدرسه دخیل بدانند. در اینجا فقط به بخشی از این مشارکت، که در چارچوب اهداف مقاله بود، پرداخته شد، ولی لازم است در این زمینه بیشتر تأمل شود. یادگیری یاددهی می‌تواند خیلی لذت‌بخش باشد؛ به شرطی که پارازیت‌های سنتی و منسوخ فراتر بگذاریم و اجازه دهیم خلاقیتمان راه جدیدی برای آموزش پیش پایمان بگذارد. ✱

### پی‌نوشت

۱. برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰. انتشارات شورای عالی آموزش و پرورش.

